

بسمه تعالی

مغزهای نخودی، حرفهای بیخودی!

بعضی وقتها از خودم می‌پرسم چرا واقعا بعضی از کشورها اینقدر عقب افتاده و درمانده هستند و بعضی دیگر پیشرفته و قدرتمند؟ چرا برخی سنبل جهالت و برخی سنبل دانش؟

جواب این سوال را اینگونه یافتم که "خلاق، هرچه لایق". یعنی وقتی در احوالات برخی ملتها مطالعه می‌کنی عمیقا درک می‌کنی که آنها لایق چیزی بیشتر از آنچه هستند نبوده‌اند. از همه بدتر هم اینکه هیچ آینه‌ای را ندارند که در مقابل خود بگذرانند و ایرادات خود را ببینند و به همین خاطر "در جهل مرکب تا ابد الدهر بمانند".

مثلا همیشه فکر می‌کردم که چرا کشورهای عربی که ۲۳ کشور دنیا با ۳۶۰ میلیون نفر جمعیت را شامل می‌شوند هیچوقت در دنیا محلی از اعراب ندارند. وقتی از نزدیک با آنها آشنا می‌شوی خیلی فوری متوجه برخی عاداتهای زشت در آنها می‌شوی که ظاهرا هرگز از آنها جدا شدنی نیست. دو خصوصیت را از همه نامطلوبتر می‌توان یافت:

۱- هیچوقت درک نکرده و نمی‌کنند که برای موفقیت در دنیای امروز باید علم و فناوری داشت. آنها در قرن ۲۱ هنوز باور نکرده‌اند که دانش (و بخصوص دانش مهندسی)، تنها ابزاری است که منجر به استقلال و سربلندی یک کشور می‌شود.

۲- تفکرات و تعصبهای بیجای قومی و قبیله‌ای باعث شده که همواره در حال نزاع با یکدیگر باشند و حاضر شوند برای دفاع از یک عضو خاطی قبیله خود (هرچند جرم سنگینی مرتکب شده باشند) وارد منازعات و درگیری‌های طولانی مدت شوند. نمونه بزرگتر همین تعصبات نابجا را امروزه در بین کشورهای مختلف عربی می‌توان دید.

این دو ایراد بزرگ همواره باعث شده که آنها جوانان کشور خود را بجای هدایت به سمت دانشگاه‌ها و دانشمندان شدن به سوی برادرکشی و نزاعهای خانمان‌سوز و بی‌پایان هدایت کنند و تمام ثروت ملی خود را صرف خرید تسلیحات نظامی نمایند.

از طرف دیگر، اینها آینه‌ای در مقابل خود ندارند تا اشکالاتشان را بنمایاند یعنی افرادی وجود ندارند که به مردمشان گوشزد کنند که راهشان و رفتارشان اشتباه است. وقتی با برخی افراد تحصیلکرده آنها برخورد می‌کنی تازه متوجه این مشکل می‌شوی که آنها خودشان تا زیر گلو غرق در عاداتهای زشت خود هستند چه رسد به اینکه بخواهند مردم خود را متنبه کنند. من در دوران تحصیل با تعدادی دانشجویان دکتری و فوق لیسانس از کشورهای مختلف عربی آشنایی داشتم که البته عمدتا هم در رشته‌های غیر فنی و سرگرم کننده!! تحصیل می‌کردند. وقتی تعدادی از آنها دور هم جمع می‌شوند، به موضوع

صحبت‌های آنها که توجه می‌کنی متوجه "مغزهای نخودی" آنها می‌شوی. ۵۰ درصد از صحبت‌های آنها در مورد گوشی‌های جدید و گرانقیمتی است که خریده‌اند و مقایسه آنها و عکس‌های ۲۴ ساعت گذشته که با آنها گرفته‌اند و ۵۰ درصد بقیه صحبت‌ها در مورد س. و دخترهایی که با آنها آشنا شده و با آنها عکس سلفی انداخته‌اند! از مباحث درسی و علمی هم که اصولاً بحثی نمی‌شنوی. عَقد‌های بودن و مغزنخودی بودن را از فاصله دور در وجود آنها می‌توان دید. گویا این اسباب‌بازی‌های الکترونیکی را جلوی تعدادی کودک ۵ ساله ریخته‌اند تا سرگرم باشند. هیچ حرص و ولعی برای علم‌اندوزی در آنها نمی‌توان دید. در عوض تعداد کثیری دانشجوی چینی و تایوانی و ویتنامی می‌دیدید که اگر هم تبلت‌هایشان را به هم نشان می‌دادند نه برای ... بلکه پروژه‌های درسی بود که باید انجام می‌دادند.

بعضی موقع‌ها فکر می‌کنم که خُب این دوستان عرب وقتی به کشور خود برمی‌گردند احتمالاً استاد دانشگاه می‌شوند. اینها چه چیزی دارند که به دانشجویان و نسل بعدی خودشان بگویند تا باعث پیشرفت مردم و کشور خود شوند؟! وقتی طبقه تحصیلکرده یک مملکت را که جزء عالم‌ترین و بهترین قشر مردم باید باشند را اینجور مغز نخودی و درگیر کارها و حرف‌های بیخودی می‌بینی دیگر چه انتظاری از بقیه مردم آنها می‌توان داشت. به نظرم که اگر اینها وارد قرن ۲۲ و ۲۳ و ... هم بشوند همچنان سرگرم سرگرمی‌های پوچ خود باشند و هرگز نفهمند که اشکال کارشان در کجاست.

آن کس که بداند و بداند که بداند اسب خرد از گنبد گردون بجهاند

آن کس که بداند و نداند که بداند بیدار کنندش که بسی خفته نماند

آن کس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به منزل برساند

آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

آنکس که نداند و نخواهد که بداند حیف است چنین جانوری زنده بماند

پس برای اینکه حیف نباشد که زنده بمانیم (!) باید همواره اشکالات خود را بفهمیم و به دیگران هم گوشزد کنیم و در جهت رفع آنها همگی باهم تلاش کنیم.